

داروهای خارجی استفاده کنیم تا اثربخشی بهتری داشته باشد. تنها یک آمپول خارجی دانه‌ای ۵۰۰ هزار تومان بود که باید مدتی هرروز تزریق می‌کردم.»

او معتقد است هر درمانی که برای این مشکل در علم نوین یا طب سنتی هست، از حجامت تا زالودرمانی، انجام داده‌اند و تنها یک نسخه پزشک طب سنتی یک میلیون تومان هزینه در بر داشته است. «یک مرتبه‌ای یوآی ۲ مرتبه‌ای وی اف انجام دادم و ناموفق بود. این عمل‌ها بسیار پرهزینه بود. هزینه‌ای که می‌کنیم در برابر پولی که بیمه پرداخت می‌کند ناچیز است. اعلام کرده‌اند که سقف بیمه ناباروری برداشته شده است اما توضیح ندادند دقیق در چه زمینه‌ای این سقف برداشته شده است.»

✚ با حقوق کارمندی نمی‌توان هزینه‌ها را تأمین کرد

مریم می‌خواست از رحم اجاره‌ای استفاده کند، اما به او گفتند مشمول بیمه نمی‌شود. او بر این باور است که اگر سیاست دولت این است که زوجین فرزندآوری بیشتری داشته باشند، دست کم سیاست‌های حمایتی به خرج بدهند و بخشی از هزینه‌ها را تقبل کنند. «مراکز دولتی آن قدر شلوغ است و برای نوبت‌دهی معطل می‌شوی که حاضری قرض کنی یا حتی وسیله خانه‌ات را بفروشی و از طریق مراکز خصوصی اقدام کنی. من و همسرم هردو کارمند هستیم و برای تأمین هزینه‌ها از پدر همسر کمک می‌گرفتیم. در غیر این صورت، نمی‌توانستیم در این مسیر بمانیم. مشکل دیگر این است که بعد از کاشت جنین، بهتر است مادر تا ۲ هفته استراحت مطلق داشته باشد، اما پزشکان این مرخصی را نمی‌دهند. محل کار نیز چنین شرایطی برایش توجیه ندارد و یکی از جنین‌هایم در مأموریتی که داشتم سقط شد.»

عوارض مصرف داروها گریبان‌گیر مریم نیز شده است. به گفته خودش، بر اثر مصرف داروها، مانند یک بادکنک ورم کرده است و از سال گذشته نیز کیست سینه برایش ایجاد شده که ممکن است در پی مصرف داروها باشد. «وقتی همه رنج‌ها و هزینه‌های این مسیر را تحمل می‌کنی و نتیجه نمی‌گیری، انگار یک سطل آب یخ روی سرت می‌ریزند. یکی از دلایلی که توانسته‌ام این شرایط را تحمل کنم، این است که همسر من را همراهی می‌کند.»

✚ می‌ترسم دوباره ناکام شوم

مریم و همسرش بعد از سال‌ها طی مسیر درمان، از طریق لقاح مصنوعی، جنین‌های فریزشده‌ای دارند که در یک مرکز نگهداری می‌شوند تا زمانی که به رحم مادر منتقل شوند. «گفتند تا ۱۰ سال این جنین‌ها را نگهداری می‌کنند. البته باید هر سال هزینه‌ای برای نگهداری بپردازیم. یک سال است که تکاپو برای باروری را رها کرده‌ام زیرا خیلی از نظر روحی خسته شده‌ام و از لحاظ جسمی نیز به هم ریخته‌ام، علاوه بر اینکه خلق و خویم تغییر کرده و زودرنج و عصبی شده‌ام، از این می‌ترسم که دوباره دچار ناکامی شوم. از طرف دیگر، هنوز نتوانسته‌ام به خودم بقبولانم که بچه‌ای را به سرپرستی قبول کنم.»

اگر روزی گذرتان به اطراف مراکز درمان ناباروری بیفتد، متوجه غمی که در چشمان این آدم‌ها جا خوش کرده است می‌شوید. شاید اگر فرزندی داشتند، اکنون در یک شرایط مالی هرچند متوسط، زندگی خوبی داشتند، اما نبود حمایت مالی، اوضاع نابسامانی را برایشان رقم زده است. امید است حرف و عمل مسئولان در این زمینه برابر شود.

برداشتند. آن روزها شدت درد به اندازه‌ای بود که حتی با مورفین هم آرام نمی‌شدم. پزشک به من گفت اگر دیرتر مراجعه می‌کردم ممکن بود اتفاقات بدتری بیفتد. بعد از آن نیز بارها دچار عفونت‌های شدید شدم.» مهشید بعد از انجام این عمل، شانس کمتری برای بارداری داشت اما با وجود همه دردهایی که تحمل کرده بود، حس مادری‌اش قوی‌تر از این حرف‌ها بود. به همین دلیل، دوباره‌ای وی اف کرد تا جنین فریزشده را به بدن او منتقل کنند. اما انگار روزگار سر سازگاری با او را نداشت و باز هم جواب منفی مانند پتکی بر سرش کوبیده شد. او به شدت افسرده شده بود زیرا غم مانند بختک به جاننش افتاده بود. «مدتی افکاری در سرم می‌چرخید که نکنند دیگر همسر من را نخواهد یا به فکر جدایی افتاده باشد. همین موضوع به مشاجره‌مان منجر می‌شد، اما همسرم همیشه من را درک می‌کرد. به یاد دارم از او خواستم من را جایی ببرد که بتوانم فریاد بکشم و خودم را تخلیه کنم. بیرون شهر رفتیم و بالای یک کوه چنان فریادی کشیدم که چند خانواده از فاصله دور شنیده و ترسیدند.»

✚ تنها ۳ سال دیگر شانس باروری دارم

مهشید فرزند اول خانواده بود و بعد از او همه خواهر و برادرانش ازدواج می‌کنند و بچه‌دار می‌شوند، اما او نتوانسته بود حتی یک بچه داشته باشد. به همین دلیل، خیلی حساس شده بود. «هنوز هم وقتی کسی از آشنایان یا دوستانم بچه‌دار می‌شود، نمی‌توانم به دیدنش بروم. برایشان خوشحال می‌شوم، اما دیدن آن‌ها من را یاد غصه خودم می‌اندازد و برایم رنج‌آور است. همسرم کارمند است، اما من هم چندین سال است که یک شغل خانگی دارم تنها برای اینکه سرم گرم کار شوم. شاید در این سال‌ها برای باروری بیش از ۶۰ میلیون تومان هزینه کردیم و جواب نگرفتیم. حالا سی‌وهفت‌ساله شده‌ام و تنها تا چهل سالگی شانس بیشتری برای بارداری دارم.»

او و همسرش به روش‌های جایگزین دیگری مانند پذیرش مسئولیت بچه‌ای بی‌سرپرست نیز فکر کرده‌اند، اما بعد از طی فرایند طولانی، به آن‌ها می‌گویند حقوقشان به اندازه‌ای نیست که کفاف هزینه‌های احتمالی را بدهد یا اینکه خانه‌شان کوچک است و این مسیر هم برایشان به بن‌بست می‌رسد. «از ما که گذشت، اما امیدوارم از این به بعد دولت از زوج‌های جوانی که دچار مشکل ناباروری هستند حمایت مالی کند. اگر به خاطر پول نبود، به جای یک بار، شاید ۱۰ بار‌ای وی اف انجام می‌دادم و دردهایش را به جان می‌خریدم، اما بین مراحل درمانی فاصله می‌انداختم تا بتوانیم پول پس‌انداز یا قرض کنیم.»

✚ به اندازه پول خرید یک خانه هزینه کرده‌ام

مریم ۱۰ سال می‌شود ازدواج کرده است. چند سال ابتدای زندگی مشترک، قصد فرزندآوری نداشتند، اما بعد از چند سال متوجه شدند که همسرش دچار مشکل ناباروری است. از همان زمان، هزینه‌های دوا و درمان شروع می‌شود و یکی‌یکی به بهترین پزشکان مشهد در این زمینه مراجعه می‌کنند و به گفته مریم، در این سال‌ها به اندازه سرمایه لازم برای خرید یک خانه هزینه کرده‌اند. «همسر چندین بار در بیمارستان‌های مختلف تحت درمان قرار گرفت. برای درمان حتی به تهران و یزد هم رفتیم که نتیجه‌بخش نبود. بخشی از مبلغ ویزیت‌ها را بیمه می‌داد، اما تأمین داروهای درمان ناباروری نیز که به‌سختی پیدا می‌شود هزینه بسیار سنگینی در بر دارد، به‌ویژه به این علت که پزشک به ما گفته بود از

